

آینه

ایران

القای اختلاف، مغایر هم‌گرای

● **احمد مازنی:** اصول قانون اساسی و نظرات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و همچنین رهنمودها و بیانات رهبر معظم انقلاب بر آزادی عقیده، بیان و قلم تأکید داشته و دارد و نیز سازوکارهای اعلام مواضع و دیدگاه‌های مختلف در قالب احزاب قانونی و رسانه‌ها تصریح شده است که برگزاری انتخابات و وجود مطبوعات آزاد حاکی از وجود چنین واقعیتهی است و با سعه‌صدر بیشتر می‌توان دامنه ظهور و بروز عقاید، نظرات و سلاقی گوناگون را تقویت کرد. بدیهی است در این میان هرگونه القا و دامن‌زدن به اختلافات که به طور حتم مانع همگرایی و هم‌افزایی نیروها در مسیر تحقق آرمان‌های انقلاب و پیشرفت کشور می‌شود، اقدامی پسندیده نیست و آسیب‌هایی را به کشور وارد خواهد کرد؛ بنابراین شایسته آن است که همه مجموعه‌ها و نهادهای کشور منافع ملی را بر منافع حزبی و گروهی ترجیح دهند و با گفت‌وگو و تعامل، فضل‌الخطاب قرار دادن قانون و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، برنامه‌ها و اهداف خود را دنبال کنند.

کیمیا

بیگاسوم نمی‌تواند!

● **حسین شریعتمداری:** می‌گویند بسیاری از کسانی که امضاهای پیچیده دارند، در حساب‌های بانکی خود پول چندانی ندارند و پیچیدگی امضای آنها ناشی از وقت کافی برای نقاشی است. امضای دانش‌آموزان دبستانی را ملاحظه فرمایید، هر کدام از این امضاها به اندازه یک تابلوی نقاشی «پیکاسو» دارای خط و خطوط کج و کوله و درهم تیتبه است؛ به‌طوری‌که حتی خود پیکاسو هم نمی‌تواند مشابه آن را تکرار کند. از دانش‌آموز دبستانی انتظار نمی‌رود امضای درست و درمانی داشته باشد؛ چراکه، نه حساب بانکی دارد که نگران جعل امضایش باشد و نه وزیر و مدیرکل ... است که نایکاران با جعل امضای او دست به رانت‌خواری و کلاهبرداری بزنند؛ در عرصه سیاسی نیز بارها دیده شده، کسانی که نتیجه یک رخداد را با آنچه پیشاپیش ادعا می‌کردند یا انتظار داشتند، متفاوت می‌بینند به دو علت و با دو انگیزه در ارزیابی نتیجه، دست به پیچیده‌نمایی می‌زنند. اول آنکه روی درک پایین و دم‌دستی خود سرویش بگذارند و ناتوانی خویش از فهم مسائل ساده و قابل فهم را پنهان کنند، چراکه پی بردن هواداران به درک سطحی حزب و گروه یا شده مانع از اعتماد بعدی آنان بوده و پدیده «نریش هوادار» را به دنبال خواهد داشت. پدیده‌ای که برای یک حزب سیاسی شیفته قلب و - نه خدمت - نقش کابوس را دارد. دوم؛ فئاسازی کاذب برای فرار از نتیجه‌ای که با منافع حزبی و گروهی خود ناسازگار تلقی می‌کنند، در این حالت حزب و گروه یا شده مانع از اعتماد بعدی آنان بوده و پدیده «نریش هوادار» را به دنبال خواهد داشت. پدیده‌ای که برای یک حزب سیاسی شیفته قلب و - نه خدمت - نقش کابوس را دارد. دوم؛ فئاسازی کاذب برای فرار از نتیجه‌ای که با منافع حزبی و دامن می‌زنند که اگر چنین و چنان نشده بود، نتیجه همان بود که ما پیشینیش می‌کردیم ولی خیانت فلان عضو خودی؛ یا تهدید جریان مقابل و... نتیجه را تغییر داده است! و...

اعتراض

شعارهای یوبولیستی فعلاخریدار ندارد

● **محسن صفایی‌فراهانی:** کشورهای جهان سوم عموما بستر مناسبی برای حرکت‌های یوبولیستی حکومت‌ها هستند و فرار از یوبولیسم زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که رشد فکری و آگاهی مردم نسبت به حقوق‌شان در جامعه به‌طور نسبی افزایش یابد، پس احتمال اینکه همیشه یوبولیسم بتواند از فضای موجود طبقات محروم جامعه استفاده کند و با شعارهای توخالی ولی جاذب، انگیزه لازم برای مردم این قشرها را فراهم کند وجود دارد؛ این یک واقعیت است که نمی‌توان از آن فرار کرد. در ۵۰ سال اخیر نیز ما در ایران شاهد چنین اتفاقی به‌طور مستمر بودهایم. بررسی عملکرد رژیم گذشته نشان می‌دهد این رژیم هم از یوبولیسم بهره می‌برد. در رژیم گذشته به مواردی برمی‌خوریم مانند برگزاری مراسم‌ها و گردهمایی حزب فراگیر (از نظر آنها) با موضوع سهیم‌کردن کارکنان در سود کارخانه‌ها یا توزیع اسناد مالکیت به کشاورزان و... به‌طور مشخص هدف حاکمیت از این اقدامات کسب نظر مساجد طبقات محروم نسبت به خود بوده و این در حالی است که آنها از سهم خود در منافع کلان کشور که نصیب‌شان نشده بی‌خبرند و متوجه این ترفندها نمی‌شوند؛ در دوران بعد از پیروزی انقلاب هم در ادوار مختلف، یوبولیسم و به روش‌های گوناگون با شدت و ضعف قدرت‌نمایی کرده است. اما عملکرد طبقات شهری ایران به‌خصوص در شهرهای بزرگ در چهار سال گذشته و در انتخابات سال ۱۳۹۲ و همچنین انتخابات سال۱۳۹۴ نشان داد که مردم به صورت نسبی از یک بینش بالاتری برخوردار شده‌اند و طبقه شهری یک نگاه ویژه نسبت به مسائلی که در کشور می‌گذرد، دارد.
نوع رای آنها در انتخابات و انتخاب افرادی که شناخت کمی از آنها وجود داشت اما توسط این طبقه انتخاب شد نشان می‌دهد که طبقه شهری از یک دیدگاه بالاتری نسبت به حقوق خود برخوردار شده است که این جای امیدواری دارد و می‌توان گفت نسبت به گذشته فضای عمومی کشور برای اقدام یوبولیسم کمی دشوار شده است.

سیاست

نگاهی به زندگی خصوصی مرحوم آیت الله طاهری

همیشه کنار مردم

ندارند؛ در منزل ما هر روز و هر ساعت به روی ایشان باز است.

فکر نمی‌کنم نقش بسزای ایشان در هشت سال جنگ با عراق بر کسی پوشیده باشد. پادم می‌آید یک شب از جبهه به ما خبر دادند آیت‌الله امشب قصد دارند در عملیات شرکت کنند و در خط مقدم حضور داشته باشند؛ غسل شهادت کرده، لباس جنگ پوشیده و آماده‌اند. من به محض شنیدن خبر نزد امام رفتم و جریان را گفتم. امام از من خواستند به ایشان تلفن بزنم و پیغامشان را برسانم. خودشان پای تلفن ایستادند و با صدای بلند طوری که آیت‌الله آن طرف خط بشنوند، فرمودند: بدن نحیف من و شما مناسب خط مقدم نیست. من از شما انتظار دارم همچون گذشته لشکر را هدایت کنید نه اینکه در خط مقدم بجنگید. به شما تکلیف می‌کنم در عملیات شرکت نکرده و به پشت خط مقدم برگردید.بعدها آیت‌الله بارها به من گفت پس از پیام امام مجبور به بازگشت شدم اما همیشه آرزوی شهادت در راه حق، در دلم زنده است. پس از پایان جنگ و بازگشت اسرا به وطن، آیت‌الله حال غریبی داشت.



نعیمه اشراقی

اولین‌بار آیت‌الله طاهری را در منزل مادرم دیدم. روزی که برای خواستگاری آمده بودند، در همان نگاه اول مهرشان به دلم نشست، مهر و علاقه‌ای که هر روز بیشتر و بیشتر شد. نظر پدربزرگ عزیزم حضرت امام(ره) درباره این ازدواج بسیار مهم بود. از ایشان جویا شدم، فرمودند به احمد سپرده‌ام تحقیق و بررسی کند، نو نیز بیشتر رفت‌وآمد داشته باش تا شناخت پیدا کنی و چنانچه نتیجه این بررسی و شناخت منجر به ازدواج شود، من از این وصلت خوشحال خواهم شد.

آیت‌الله برای من پدري دلسوز و مهربان بود که جای خالی پدرم را پر کرد. هر‌بار که به منزل ما در جماران می‌آمدند، از من می‌خواستند برایشان از امام وقت ملاقات بگیرم. من تقاضای ایشان را منتقل می‌کردم و هر بار امام در پاسخ می‌فرمودند آقای طاهری برای دیدن من نیاز به وقت‌گرفتن ندارم. آن زمان مکتب اجتهادی و مدرسه فقهی آیت‌الله سیدمحمد محقق داماد، چهره برجسته و فقیه توانمندی مانند آیت‌الله طاهری به خود ندیده بود. عالمان و فضایی نامدار قم، او را بهترین و موجه‌ترین شاگرد استاد نام نهادند. در میان این میدان و به‌دور از بساط بسیط قهاقت مرسوم، که منصف ظهور و عرصه بالندگی دانش‌پژوهان حوزه علمیه بود، دریچه‌ای از اخلاق و عرفان گشوده بود که کمتر کسی اهلیت ورود به آن را داشت. این منطقه روح‌بخش و وادی ممنوعه‌ایمن، محضر و ساوای حضور مخلصانی بود که جز فقیهان درداشنا و زمان‌شناس کسی را به درون آن راه نبود. آن حلقه رندان نبود مگر محضر پرفیض «روح‌الله» که خداوند او را برای مأموریتی بزرگ در آینده نه‌چندان‌دور آماده می‌کرد. فقیه آگاه ما به‌همراه فقه‌ای نامدار، حضرات اقایان حسینیعلی منتظری، سیدمحمدحسین بهشتی و مرتضی مطهری از جمله چهره‌های راست‌قامتی بودند که محفل عرفانی و مدرسه تهذیب نفس امام را مستقر و پایدار و به‌دور از چشم هیاهو، رونق بخشیدند و سالیانی دراز از محضر او بهره‌ها بردند و حکمت‌ها آموختند.

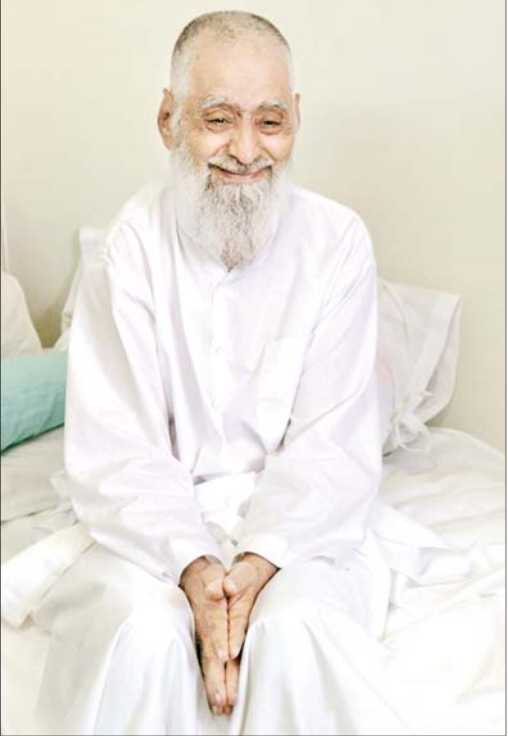
«آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری» تا سال‌های اولیه نهضت، از جمله فضایی نامداری بود که در حلقه وصل و در پرده معتمدان امام قرار داشت. آنها در عین قلت در عدد، با قوت ایمان و اندیشه راسخ، با گام‌هایی استوار راه و رسم حضرت استاد را پاس می‌داشتند و مشی پرنشیب‌وفاز را برای آیندگان سیقل می‌دادند.

امام در سال ۴۲، پس از قیامی نابرابر در متن مظلومیتی مضاعف به تبعید رفت و میراث انقلابی خود را که همانا حفظ و حراست از شمع برافروخته انقلاب بود، به همراهان مظلوم و مصمم خود واگذارد. آنها چون دیده‌بانانی صادق و غیور در سرزمین فتنیده از غم بی‌عدالتی و در سنگر مقاومت و آگاهی‌بخشی استقرار یافتند و کمر همت را بستند. سهم رنج‌پذیری و مبارزه‌طلبی «سیدجلال‌الدین» ما در آرایش جدید میدان مجاهده و پذیرش حرمان، حصه‌ای بزرگ بود. او در کسوتی که تاروپودش از تدبیر و رنج بود، به سرزمین مادی رجعت کرد و برای آینده‌ای مجهول اما روشن آماده شد. او آمد اما پرچم توحید و مبارزه با ستم را برافراشت. پایگاه و تکیه‌گاه او، مسجد اعظم حسین‌آباد شد. خانه مانوس قدیمی و سنگر جدید مقاومت. او نماز را نخواند بلکه برای داشت و قیام و شهادت را ترجیح‌بند تبلیغ و ترویج دین کرد. «محراب» سنگر عبودیت و مجاهده نفس او شد و «منبر» برج فریاد و روشنگری و ظلم‌ستیزی او و در این صحنه نماز جمعه از شکوهی بی‌نظیر برخوردار شد «موعود» مبارزان هر هفته جمعه‌ها شد و حضور هم‌دلان و هم‌پیمانان، صفوف درهم‌تنیده نماز جمعه قرار مجاهدان در میعاد مسجد بود و جمعه موعود حضور آنها. امام‌خمینی(س) او را در تکیه‌گاه بزرگ جوانان و همراهان نهضت می‌دانست که بسیار مبارزانی که در طول نهضت، از پشتیبانی‌های روحی و مادی این فرزند برومند «تراز مکتب» برخوردار بودند. سیدجلال‌الدین قطب آسیای انقلاب در شهر بود و چهره‌های مجاهد عصر نهضت در زمهریر سکوت یا هرم سنگین مبارزه در هنگامه صعوبت و شدت یا نفرت یاس به او پناه می‌بردند.

آیت‌الله طاهری به یمن ایمان شگفت و اعتماد به نفس بی‌نظیرش در چارچوب اصول، بدعت‌ها را افشا می‌کرد و سنت‌های غلط را عالمانه می‌شکست. او در زمانه عسرت که کمتر روحانی مبارزی جرئت ترسیم اندیشه‌های درست و تکریم معلم مدرسه انقلاب، زنده‌باد دکتر علی شریعتی را داشت، نستوه و بی‌لکنت، به‌صراحت به ستایش تلاش‌های صادقانه او می‌پرداخت. وی را تدبیری عقلانی، گفتمان انقلاب و نهضت درست، روحانیت و همراهان نهضت می‌دانست که بسیار مبارزانی سرشار، در قلب جوانان متأثر از شریعتی پیوند می‌داد. احساسات پاک و برخاسته از شور و شیدایی شریعتی که پشتوانه قیام جوانان بود، در اتصال پایدار با گفتمان عدالت‌خواهی و ضدستم امام، دو رود خروشانی بود که فقط به همت و اخلاص و زبان گویای سیدجلال‌الدین طاهری و امثال او در مصب خروش جوانان و ساحت روحانیون زنده‌دل به حقیقت پی‌بوست و مدال افتخاریان پیوند مبارک در شهر تنها بر سینه سوخته خطیب جمعه ما می‌نشست.

آیت‌الله طاهری قریب به ۱۵ سال از بدو نهضت بارها مورد تهدید و تعقیب و شکنجه ساواک قرار گرفت. او هرازچندی از زندانی به زندانی دیگر گرفتار می‌شد و درنهایت وی را به تبعیدگاهش فرستادند. او پایه‌پای تحمل تازیانه گزیمه‌های حکومت که فرامی‌رفت و فرومی‌آمد، ثقل سنگ اندازی غیرانقلابیون متحجر را با احساس تحول‌خواهی و لب و بر طعنه‌ها و تفتین آنها فرومی‌بست، البته در زمزمه‌های نیمه‌شب با خدای مهربان، می‌گفت اللهم اغفر لقومی فانهم لا یعلمون.

سیدجلال‌الدین، مردم‌داری بی‌نظیر بود. خانه درویشی او به دور از هرگونه تشریفات و فارغ از تشخیص و تعلقات آخوندی، بسی ساده و بی‌آلایش بود. منزل او محل رجوع و پناه نیازمندان بود و طهارت اخلاق او مایه طبابت دل مراجعان. هم‌نشینی‌های صمیمانه او، همدلی‌های سرشار از محبت، غمخواری و هم‌صدایی‌های صادقانه با دردمندان،



زبازند مردم بود. رفتارش با خلق خدا، سقراط، بقرات و لقمان حکیم را به یاد می‌آورد. در درگاه و ایوان و سرای او، امید کسی ناامید نمی‌شد. کسی را نمی‌توان سراغ داشت که کدورتی، غیظی یا خصومتی شخصی از او به دل داشته باشد. کدورت‌ها و خصومت‌ها اگر بود، علیه آرمانش بود.

آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری، فقیهی روشن‌ضمیر، روشنفکری آزاداندیش و خطیبی توانا بود. ظرفیت‌های کم‌نظیری که خداوند تبارک و تعالی در تنهای همتش، به او ارزانی داشته بود، مختصات روحی و ویژگی‌های روزآمدی که در اوج پختگی و بلوغ سیاسی، به همراه جامعیت علمی در وی قوام یافته بود، مایه اعتماد بود و به طور روزافزون جایگاه او را در مقیاس ملی برجسته‌تر می‌کرد. بنابراین موقعیت استثنایی، پیشتازی، منزلت اکتسابی و جامعیتش، وی را در مقام رکن نیرومند انقلاب و بازوی کارآمد نظام و پیشوای نهضت و جاحث خاص شنیداری بود.

ساحت دین‌داری سنئول و عرصه روشنفکری و مرجعیت اجتماعی در سه دهه پیش از انقلاب، همواره میدان معارضه و مناقضه و البته مایه تضعیف هر دو گفتمان بود. فقید سعید آیت‌الله طاهری از نوادر فقه‌ای نامداری بود که مرجعیت اجتماعی داشت و در ایجاد توافق و تلائم و تحقق همگرایی این دو رویکرد نقش پردمانه‌ای ایفا کرد؛ نقشی که بعدها در قلمرو حکمرانی جدید، برخی چهره‌های خوشاوند و صاحب‌نظر با رویه‌های مردمی و عالمانه بر توسعه و تعمیقش همت گماشتند و سرفصل روشنی را برای نسل‌های بعد گشودند. قرب و بعد روحی و دل‌بستگی حضرت امام به کادرهای انقلاب، تابع احساسات غریزی ایشان نبود زندگی رهبر انقلاب با خاطره‌هایی مشحون از نقش‌آفرینی، خلق حماسه‌ها و خطرپذیری یارانشان در ایام غربت نهضت قرین و هم‌راز بود. وی براساس مجموعه تجارب صادقانه و آرمانی آزمون‌های سخت، رابطه اعتمادآمیز خود را با همراهان تنظیم می‌کرد. حضرت آقای طاهری جزء انگشت‌شمارانی بود که در متن قضاوت مردم و داوری تاریخی اسام، وجاحت ویژه‌ای داشت و در یک کلام، عمق علاقه امام‌راحل به او ریشه در مبانی استواری داشت که بارها به محک آزمون و البته سرفرازی آزموده، درآمده بود. در سال‌های نخستین انقلاب، جمع اندک و نیرومندی بودند که نماد هم‌سنگستی نظام و مردم به شمار می‌آمدند و ارتباط وثیق معنوی حضرت امام با توده‌های میلیونی مردم را به ذهنشان متبادر می‌کردند. این چهره‌های بزرگ عبارت بودند از حضرات آیات سیدعلی خامنه‌ای، فقید سعید سیدجلال‌الدین طاهری، شهید محمد اشرفی‌اصفهانی، شهید محمد صدوقی و شهید اسدالله مدنی. اینها امامان جمعه و زبان گویای رهبری بودند و کلامشان راه جمعه مایه تقویت اعتماد مردم و قوت ستون نظام بود. آنها قدرت سحرانگیز بسیج توده‌ها را داشتند و وجودشان الگوی تمام‌نمای حضرت روح‌الله بود. منزلت و ظرفیت کارآمد حضرت آیت‌الله طاهری، پس از رحلت امام حتی با گذشت سالها عزلت و گوشه‌نشینی و باوجود موضع انتقادی ایشان، همواره مورد توجه اغتنام و احترام بود. این واقعیت در نامه مفصل و روشنگری که مقام معظم رهبری در سال ۸۱ در پاسخ به استعفای ایشان صادر کردند، به‌صراحت به رسمیت شناخته شده و ستایش شده است.

جهت اهمیت می‌یابد که وقتی فردی در قدرت است و از کلیه اسباب و امکانات بهره‌مند است، از تمامی آنها صرف‌نظر و برای تبعیت از اعتقادات خود کناره‌گیری کند. آن استعفا ایثار و گذشت بسیاری می‌طلبد که در روزگار فعلی پدیده‌ای نادر است. بسیاری از افراد از قدرت کنار زده می‌شوند اما کسانی که به دست خود و با میل و رغبت خود قدرت را رد کردند و گوشه عزلت گزیدند، افرادی کمیاب هستند. آنچه در کردار و رفتار ایشان مشهود بود، نبود دلبستگی به دنیا و بی‌ارزش بودن مقام و منزلت دنیوی بود و ایشان با عملشان این را به اثبات رساندند. البته شخصا با استعفای ایشان مخالف بودم و علت آن این بود که از نظر من کسانی که در قدرت هستند، بیشتر می‌توانند در ایجاد تغییر و تحول و اصلاح و تلاش برای عدالت و آزادی بیشتر، مؤثرتر باشند. اما ایشان در تصمیم‌شان مصمم بودند. به نظر من این درسی بود که در مکتب امام آموخته بودند و با شجاعتی بی‌نظیر که در ایشان سراغ داریم، راهشان را انتخاب کردند.

روحشان شاد و راهشان پر رهرو باد.

ایشان ضمن قبول استعفای آیت‌الله طاهری از امامت جمعه و با ابراز همدردی و همسویی با دیدگاه‌های انتقادی مطرح‌شده، تلویحا رفع کلاه‌های مطروحه را مستلزم نقش‌پذیری شخص آیت‌الله دانسته‌اند. معظم‌له در پاسخ می‌نویسند: «اینها مطالب حقی است که این‌جانب در چند سال اخیر بارها در اجتماعات عمومی و نیز در دیدار مسئولان ذی‌ربط درباره آن هشدار داده و بسیج همه امکانات را برای مبارزه با فقر و فساد و تبعیض از همه خواسته‌ام. اکنون هم معتقدم جز با جهادی مخلصانه و برخاسته از احساس درد و احساس خطر این شجره‌های ملعونه قلع نمی‌شود و این محتاج همراهی و هم‌صدایی همه، به‌خصوص صاحبان موقعیت حکومتی و اجتماعی است. یقینا از جناب‌عالی که سوابق ممتدی در انقلاب دارید بیشتر از خیلی‌ها انتظار و توقع داشته و دارم...».

کسانی که فاهمه، شناخت، تجربه و صلاحیت تفسیر مفاد این‌گونه نامه‌های تبادل‌شده میان چهره‌های شاخص نظام را دارند، می‌دانند حتی با وجود دلگیری‌های مشهوده در نامه رهبری، اهمیت کلام، دغدغه‌ها و نگرانی‌های آیت‌الله طاهری در امر ریشه‌کن‌کردن شجره ملعونه فقر و فساد و تبعیض، نزد معظم‌له مورد توجه، قبول و محل انتظار بوده است. درواقع از خلال کلاه‌ها و تبیین شرایط حاکم بر کشور این‌طور فهمیده می‌شود که رهبری نظام، موقعیت برجسته، شخصیت فاخر و علو مکانت اجتماعی آقای طاهری و البته اهتمام و اعتبار ایشان را پشتوانه نیرومندی برای فلج‌وقمع فقر و تبعیض در کشور می‌دانند؛ پدیده منحوسی که همواره جزء دغدغه‌های نظام و نگرانی رهبری بوده است.

آرمان‌های انقلاب و تحقق مطالبات امام، چه در دوران حیات و چه پس از رحلت ایشان، همواره عمده‌ترین نگرانی آیت‌الله طاهری بوده است. همگان می‌دانند که اصول مترقی اسلام و مبانی انقلاب و نقش حقوق مردم، همیشه و بیش از هر نکته‌ای در گفتمان اعتقادی، سیاسی و مدیریتی امام پررنگ و مورد تأکید بوده است و بحق همین توجه و اهتمام در زوایای روح نماینده تام‌الاختیار ایشان موج می‌زده است. هر کجا حقی از مردم مورد اجحاف قرار می‌گرفت یا به آن بی‌توجهی می‌شد، فریاد خطیب جمعه بود که با تبه و همدار، تکالیف مسئولان را به آنها گوشزد می‌کرد. ابعاد شخصیت انقلابی و منزلت علمی و فقهاتی آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری گماهو حقه، نزد آیندگان و نسل جوان تا سال‌ها مجهول و مغفول خواهد بود. بی‌تردید سهم گران‌سنگ تلاش‌های بی‌منت آن فقیه دردمند برای تثبیت و تقویت نظام و صیانت از مرزهای عقیده و آرمان امام تاکتون برآورده و ارج‌گذاری نشده است.

دفاع تاریخی ملت ما و مقاومت در نبرد نابرابر با دشمن تا بن مسلح بغداد و حاکمان امپریالیسم جهان‌خوارش، از بسیج جوانان و نوجوانان در استان اصفهان آغاز شد و اگر نبود هشیاری آیت‌الله طاهری که برای دفاع تمام‌عیار از انقلاب، اعتماد تاریخی مردم را برانگیخت و اگر نبود ایفای نقش پیشنتاز خطیب جمعه، که خود در رأس حضور و حرکت بسیجیان دریادل در جبهه‌های نبرد همچون حبیب ابن مظاهر و عباس‌ابن علی(ع) ظاهر می‌شد و صحنه کربلای ایران را به یمن وجودش گرمی می‌بخشید؛ اگر نبود حضور شانه‌به‌شانه امثال او با رزمندگان در شب‌های حمله که از یادگانی به یادگانی و از خط مقدمی به خط مقدمی و از سنگری به سنگری می‌رفت و روح سلحشوری و جانبازی و فداکاری را به ارمغان می‌برد و ایمان به پیروزی را به اوج خود می‌رساند و شهد شهادت را در کام مجاهدان فرو می‌ریخت، معلوم نبود امروز در کجای جغرافیای سیاسی جهان بودیم و در کدام مدار از قدرت و مناسبات حاکم قرار داشتیم و یو مؤثر امروزمان در این وادی آشفته زمان در چه ترازویی سنجیده می‌شد و بالمال معلوم نبود بر سر نظام چه رفته بود و آیا عزت اسلام صیانت می‌شد؟ اینها حقایق روشن و دستاوردهای آشکاری است که برخی دست‌ها فرصت ترسیم آن را در کشاکش تسویه‌های سیاسی از نگارندگان تاریخ گرفته است. لشکر نجف اشرف و لشکر امام حسین(ع)، خانه دوم، بلکه منزل و ماوای نخستین «سیدجلال» بود.

رزمندگان ما از بسیجیان ساده‌پوش و سخت‌کوش تا ارتشیان و سپاهیان تیزهوش، همواره به وجود شایق و مهربان او عشق می‌ورزیدند. آنها، همه روح واحدی بودند در یکره‌های متکثر و قطراتی از دریای دلیری و دردمندی که در رودخانه پرخروش زمان و در بستر تاریخ رو به سوی ایفانوس بی‌کران خداوند جاری می‌شدند.

«سید جلاما» (امروز با گذر از فرازفرود تاریخ و با عبور از امواج پرتلاطم نهضت در کدام ساحل آرام فرود آمده است؟ «او» در قلب همراهان شهیدش به بی‌کرانگی رسیده است، قافله‌سالار ما سالیانی است در ارض خداوند مقیم و در نعیم او مستغرق است.

او خود جاودانه شد و میراث گران‌بهایی از ایمان و اخلاص در مجاهدت را به مثابه الگوی راه برای آیندگان به ودیعت نهاده است. یاد و خاطره آن بزرگ اهالی سرزمین جهاد و مجاهدت نفس را گرمی می‌داریم و به روح بلند و دل دریایی‌اش درود می‌فرستیم.

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

اعتراض

- ادامه مذاکرات لاریجانی و سولانا به دو هفته دیگر موکول شد
- محمود سریع‌القلم: دانشگاه زیر فشار یکسان‌سازی فکری
- وزیر کشور پیشنهاد داد: تسهیل ازدواج موقت برای جوانان
- تحویل سوخت نیروگاه اتمی بوشهر
- نهرالبارد در محاصره ارتش لبنان
- نشست گازی تهران بدون نتیجه‌ای مشخص پایان یافت
- عقب‌نشینی دولت از مبارزه با بی‌کاری؛ وزیر کار: بی‌کاری همان ۱۲/۵ درصد است
- در اجلاس دادستان‌های کشورهای اسلامی مطرح شد: پیشنهاد تشکیل نهاد همکاری قضائی جهان اسلام

ایران

- بررسی آخرین رخدادهای منطقه در دیدار متکی با بشار اسد
- مشاور اطلاع‌رسانی رئیس‌جمهوری: دولت به دنبال رسانه محافظه‌کار نیست
- رئیس مجلس: دنیای اسلام نیازمند نظام قضائی مستقل است
- معاون سیاسی وزیر کشور: ۱۵ خرداد نخستین گام اجرایی انتخابات مجلس هشتم
- پس از پنج ساعت گفت‌وگو در مادرید صورت گرفت: طرح ایده‌های جدید در مذاکرات هسته‌ای
- آیت‌الله جنتی: برقراری امنیت در عراق با خروج آمریکا محقق می‌شود
- وزیر جهاد کشاورزی دستور توقف تخریب جنگل‌های گیلان را صادر کرد

کیمیا

- تلاش روسیه برای جلب حمایت‌ها از غنی‌سازی محدود در ایران
- آزربای مثبت لاریجانی و سولانا از پنج ساعت مذاکره لاریجانی: داریم بحث تعلیق را رها می‌کنیم
- وزیر امور خارجه آمریکا: ما می‌خواهیم مذاکره کنیم، ایران نمی‌خواهد
- محمد البرادعی: طرفداران بر‌خورد نظامی با ایران «بیوانگن جدید» هستند
- فرمانده سپاه حفاظت هواییمایی: گارد امنیت پرواز ایران در دنیا اول است
- آمام‌جمعه موقت قم: کشور نیازمند مراکز انتخاب همسر برای جوانان است
- وزیر دفاع آمریکا: برنامه‌ما حضور بلندمدت در عراق است

جمهوری اسلامی

- لاریجانی در پایان گفت‌وگو با سولانا: در حال عبور از بحث تعلیق هستیم
- رابرت کیتس، وزیر دفاع آمریکا: آمریکا به دنبال حضور طولانی‌مدت در عراق است
- حمله ارتش یمن به شهر صعده ۵۰ کشته و زخمی برجای گذاشت
- حزب‌الله لبنان: قطع‌نامه ۱۷۵۷ شورای امنیت حاکمیت ملی لبنان را نقض می‌کند
- شنخکوی شورای نگهبان با رد اظهارات معاون حقوقی رئیس‌جمهور: تاریخ برگزاری انتخابات مجلس هشتم قطعی نیست
- وزیر کشور: نباید از ترویج ازدواج موقت در جامعه که حکم خدا می‌باشد پروا داشته باشیم

آقاب

- رایس: ایران نمی‌خواهد با آمریکا مذاکره کند
- تلاش برای الزام دولت به تقدیم بودجه در آذربای
- متکی: آمریکا و رژیم صهیونیستی به دنبال ایجاد تنش در لبنان هستند
- قائم‌مقام دبیر شورای‌عالی امنیت ملی: ایده‌هایی برای پیشرفت گفت‌وگو‌ها بین لاریجانی و سولانا مطرح شد
- آیت‌الله جنتی: عراقی‌ها قیم نمی‌خواهند، آمریکا عراق را ترک کند
- دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرد: تشکیل کمیسیون ویژه برای پیگیری تذکرات رهبری
- بوتونو ادعا کرد: ایران به غنی‌سازی اورانیوم در سطح تسلیحاتی نزدیک است!

اطلاعات

- رئیس دولت اصلاحات: امام(ره) آزادی را برای آحاد جامعه حتی مخالفانش محترم می‌دانشتند
- حسن خمینی: هیچ رهبری در دنیا به اندازه امام خمینی(ره) به جوانان اعتماد نکرد
- آیت‌الله هاشمی‌رفستجانی: دانشگاه آزاد متعلق به مردم است و هیچ‌کس مالک آن نیست
- بوتین آمریکا را به آغاز رقابت تسلیحاتی جدید در جهان متهم کرد
- معاون وزیر نفت: دولت خواهان عرضه بنزین به صورت سهمیه‌ای تک‌نرخی است